

دکتر مارو ویلسون، انبیا، جلسه ۳۲، بنده رنج کشیده اشعیا

مارو ویلسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر مارو ویلسون در حال تدریس در مورد انبیا است. این جلسه ۳۲، بنده رنج کشیده اشعیا است.

بسیار خوب، من آماده شروع هستم.

بیایید دعا کنیم. این روزی است که شما ساخته‌اید. ما خوشحالیم که در این روز فرزندان شما هستیم.

ما خود را به شما متعهد می‌کنیم که زندگی یک دانشجو در این دانشگاه، یک استاد را سپری کنیم. از شما سپاسگزاریم که ما بخشی از یک جامعه ایمانی هستیم که در اینجا به یکدیگر اهمیت می‌دهیم. دعا می‌کنیم که امروز فرصتی داشته باشیم تا افراد ناامید در این دانشگاه را دلگرم کنیم، کلامی دلگرم‌کننده و امیدبخش بر زبان آوریم.

از تو سپاسگزاریم که هرگز ما را ترک نمی‌کنی، حتی زمانی که ممکن است از خود ناامید یا دلسرد باشیم. از اشعیا سپاسگزاریم که به بشارت خدا امید می‌دهد، اینکه اگرچه تاریخ با شکست‌هایی همراه است و ما به صورت فردی با عقب‌گردها و علامت‌های سوال و مبارزات و مشکلات روبرو هستیم، در نهایت تو خدای پیروز هستی و قوم خود را در نهایت از پیروزی به پیروزی نهایی هدایت می‌کنی. به این ترتیب ما امروز را با شکرگزاری از طریق مسیح، پروردگاران، آرام می‌گیریم. آمین.

آیا کسی از شما در مورد آخرین ارائه‌ای که در مورد آحاز، اشعیا، امانوئل، آلما، پتولا، پارتنوس و همراهانشان داشتیم، سؤال دارد؟ امیدوارم این را روشن کرده باشم. اگر شما یک مسیحی کلاسیک، تاریخی ارتدکس و سنتی هستید و آموزه تولد از باکره را که با چنین برجستگی همراه است، می‌پذیرید، پس به دلایل درست به آن ایمان داشته باشید.

به این دلیل که کلمه آلما در آنجا یافت می‌شود و چیزهای بیشتری از آن وجود دارد، آن را باور نکنید. زنان جوان در سن ازدواج، اما همانطور که سعی کردم نشان دهم، آن نوع توصیفات دیگر از سوی نویسندگان برای شفاف‌سازی بیشتر ضروری بودند. و به همین دلیل است که ما به عنوان مسیحی تولد از باکره را می‌پذیریم، زیرا آن عبارات روشن‌گر در انجیل متی یافت می‌شوند، به ویژه در مورد پارتنوس که باردار خواهد بود.

بسیار خوب، اگر سؤال یا نظری ندارید، می‌خواهم امروز به سراغ بنده‌ی رنج‌کشیده بروم. این موضوع، یکی از مضامین اصلی کتاب مقدس است. و باز هم موضوعی است که وقتی مطرح می‌شود، بلافاصله نه تنها شباهت‌های بین مسیحیان و یهودیان، بلکه اغلب تفاوت‌های تفسیری را نیز نشان می‌دهد.

من و شما می‌توانیم کسی را در یک بازی فوتبال حرفه‌ای ببینیم که تابلویی را در دست گرفته که روی آن نوشته شده است: اشعیا ۵۳، و وقتی خوانندگان یهودی با خود می‌گویند: اشعیا ۵۳ چیست، و نگاه می‌کنند که مفسران یهودی چگونه بنده خداوند را درک کرده‌اند، معمولاً آن را به عنوان اشاره به خودشان به عنوان یک قوم، به طور جمعی، رنج‌کشیده می‌دانند. و اینگونه است که پیامبر این مفهوم از عواد یهوه، بنده خداوند، را توصیف می‌کند. و بنابراین، اسرائیل فراخوانده شد تا بنده خدا باشد، اما اغلب توسط قدرت‌های دیگر مغلوب می‌شود.

از سوی دیگر، مسیحیانی که تابلوی اشعیا ۵۳ را می‌بینند، آن را به گونه‌ای می‌بینند که مل گیبسون می‌خواست مسیحیان آن را درک کنند، زیرا او فیلم خود را با نقل قولی از اشعیا ۵۳ آغاز کرد تا شما را فوراً به مصائب مسیح ببرد. نویسندگان عهد جدید به طور گسترده از اشعیا ۵۳ نقل قول می‌کنند و آن بنده رنج‌کشیده را به شیوه‌ای بسیار واضح تفسیر می‌کنند، نه با اشاره به رنج ملت، بلکه در این مورد خاص، بنده رنج‌کشیده خدا، پسر بی‌نظیر او، که از طریق مرگ او رنج می‌کشد، و در نهایت رستاخیز او، که پس از آن رخ داد. این یک توصیف است، یک توصیف پیش‌بینی‌کننده از آن.

چرا این تفاوت‌ها وجود دارد؟ واژه‌نامه‌ای که در انتهای عهد عتیق وجود دارد و ما آن را عهد جدید می‌نامیم تفسیری الهیاتی برای مؤمنان اولیه کتاب مقدس عبری است. دوستان یهودی ما نیز میدراش، تفاسیر تفسیری خود را دارند و همانطور که خاخام‌ها تفاسیر مختلف را کنار هم قرار می‌دهند، به ویژه در قرن‌های پس از تولد کلیسا، ما تفاوت مشخصی بین این دو جامعه می‌بینیم. بخشی از این تفاوت ممکن است ناشی از نوعی سرپیچی از مخالفت بوده باشد.

ما مقداری از این را در بحث‌های مسیحی-یهودی داریم. شما به هر چیزی که اعتقاد داشته باشید، من به عنوان یک مسیحی برعکس آن را باور دارم. و از همان ابتدا، مسائل کاملاً متفاوت تعریف می‌شوند.

عیسی ممکن است یهودی باشد، اما جالب اینجاست که او نه تنها به دلیل یهودی بودنش، همان شخصی است که مسیحیان و یهودیان را گرد هم می‌آورد، بلکه همان شخصی است که مسیحیان و یهودیان را از هم جدا می‌کند، زیرا ما او را بسیار متفاوت از دیدگاه‌های شخصی خود تفسیر می‌کنیم، که در مورد ما، از کتاب مقدس ناشی می‌شود. بنابراین ما تفسیر درونی خودمان را از اشعیا ۵۳ داریم و نه آیه از دوازده آیه اشعیا ۵۳. از عهد جدید نقل شده است تا ارتباط بین زندگی، ارزش، کار و به ویژه شور و شوق مسیح برقرار شود عبارت «بنده خداوند» یا «ابد یهوه» نه تنها در اشعیا ۵۳ یافت می‌شود، بلکه در واقع به طرق مختلف در سراسر کتاب مقدس عبری به کار رفته است.

در عهد عتیق از پدران مقدس به عنوان خادمان یهوه یاد شده است. موسی در اعداد ۷:۱۲ به عنوان خادم خداوند توصیف شده است. یوشع نیز از همین نوع زبان استفاده می‌کند.

در عهدنامه‌ی بسیار الهیاتی داوود در دوم سموئیل ۷، از داوود به عنوان بنده‌ی خداوند یاد شده است. همانطور که در ابتدای این دوره دیدیم، انبیا نیز بنده‌ی خداوند هستند. و حتی نبوکدنصر، پادشاه بت‌پرست بابل.

فراموش نکنید که اگر کوروش را بتوان ماسیح، مسیح نامید، دسته‌بندی‌ها تا چه حد گسترده می‌شوند. یعنی آن مسح‌شده‌ای که قرار است مأمور شود تا به اسرائیل، از طریق فرمان خود در سال ۵۳۸، اجازه دهد به خانه بازگردند، خانه‌ای که آنها در سال ۵۳۶ قبل از میلاد آغاز کردند.

بنابراین، این عبارات، که ممکن است بخواهیم آنها را به افراد بسیار خاص ایمانی درون سازمانی نسبت دهیم، گاهی اوقات خداوند به ما یادآوری می‌کند که معمار تاریخ است. گله‌های گاو در هزاران تپه از آن اوست. نقره و طلا از آن اوست.

دومی از حجی، یکی از پیامبران، آمده است. او ملت‌ها را برمی‌خیزاند، ملت‌ها را سرنگون می‌کند. مزمورنویس می‌گوید، حتی خشم ملت‌ها نیز راهی برای ستایش اوست.

اگرچه این موضوع برخی از مقولات الهیاتی ما را هنگام خواندن این نوع مطالب بسط می‌دهد، اما می‌توانیم ببینیم که چگونه خداوند در نهایت تصویر کلی تاریخ را شکل می‌دهد و آن را به شکلی که خود صلاح می‌داند،

هدایت می‌کند. او خدای تاریخ است، نه فقط تاریخ اسرائیل. و همانطور که هشو می‌گوید، او حتی خدای دشمنان اسرائیل نیز هست، اما آنها این را نمی‌دانند.

در موردش فکر کن. بسیار خوب، عبد-یهوه. افرادی که هدف خدا را محقق می‌کنند.

و من پیشنهاد می‌کنم که واژه «بنده خداوند» ممکن است به چهار روش مختلف در خود کتاب اشعیا استفاده شود. من چند مورد از کاربردهای «بنده خداوند» را در خارج از کتاب اشعیا به شما ارائه داده‌ام. با نگاهی به درون کتاب اشعیا، آیا کلمه «بنده خداوند» تا به حال برای اسرائیل شرکتی، ملی یا قومی استفاده شده است؟ و پاسخ مثبت است.

این در چندین جا در مورد اسرائیل صدق می‌کند. به فصل ۴۱ کتاب اشعیا، آیه ۸ نگاه کنید. تو، ای اسرائیل بنده من، یعقوب، که تو را برگزیده‌ام، تو فرزندان (جمع) ابراهیم، دوست من، من تو را از اقصی نقاط زمین آوردم. تو را خواندم، تو بنده من هستی، من تو را برگزیده‌ام.

اشاره به اسرائیل، که یعقوب و فرزندان او، بنی اسرائیل، پسران اسرائیل بودند. و وعده‌های عهد به قوم برگزیده خدا داده شد. مرجع دیگر، ۴۲:۶. من، خداوند، شما را به عدالت خوانده‌ام.

من دست تو را خواهم گرفت. تو را حفظ خواهم کرد و تو را عهدی برای قوم و نوری برای غیریهودیان خواهم ساخت. این یک عبارت است.

اسرائیل قرار بود نوری برای غیریهودیان باشد. و در واقع، به همین دلیل است که اکثر ما امروز اینجا هستیم زیرا اسرائیل فراخوانده شده بود تا لائور گوئیم، نوری برای ملت‌ها باشد.

حال، همین عبارت بعداً در عهد جدید آمده و معنای دیگری از شهادت دارد. اما در متن اصلی خود در اینجا، اسرائیل قرار بود شاهد متن عبری دعایی باشد که در زندگی یک یهودی بیشترین دعا را انجام می‌دهد. یعنی شماع در تثنیه ۶، ۴ و پس از آن.

بشنو، ای اسرائیل، خداوند، خدای ما، خداوند واحد است. دانشمندان و کاتبان یهودی که متن را رونویسی کردند، عمداً آیه ۴ از تثنیه ۶ را به عنوان متن شاهد عهد عتیق برجسته کردند. کلمه اول شماع است که با یک «آئین»، یکی از حروف عبری، پایان می‌یابد.

تمام می‌شود. و بنابراین، وقتی هر کتاب مقدس عبری را dalet به معنی یک، با ehad، و سپس کلمه آخر در جهان باز می‌کنید، همیشه حروفی را پیدا می‌کنید، و این در کتاب مقدس عبری بسیار بسیار نادر است dalet، و ayin، که بسیار برجسته باشند زیرا بسیار بزرگتر از سایر حروف روی خط هستند. و آن دو حرف را تشکیل می‌دهند aid وقتی آنها را با هم تلفظ می‌کنید، کلمه.

اید به معنی شاهد است. ادیم، گواهان، جمع. یک یهودی چگونه به ایمان خود شهادت می‌داد؟ خب همانطور که خاخام‌ها با این دو حرف، اولین و آخرین کلمه در شما را برجسته کردند، شما بر خلاف همه اطرافیانتان که مشرک هستند، به یگانگی خدا شهادت می‌دهید.

و بنابراین، برای مثال، خاخام بزرگ آکیوا، در سال ۱۳۵ میلادی، هنگامی که رومی‌ها با داغ کردن پنجه‌های آهنین تا سرخ شدن، گوشت او را از تنش جدا کردند و او شهید شد. در منابع اولیه خاخام‌ها گزارش شده است که او این کلمه «احد» را تلاوت می‌کرد، کلمه‌ای که برای یکی بودن خدا به کار می‌رود، که کمی شبیه به

این بود، در مقابل شما رومیان، که خدایان متعددی دارید، خدا یکی است. کلیسای اولیه این نکته‌ی کمک یا شاهد را، حتی تا سر حد مرگ، به شدت درک می‌کرد.

به معنای شهادت دادن یا گواهی دادن استفاده می‌کرد. البته martoreo جامعه اولیه یونان از کلمه یونانی (شهادت دهنده) در نهایت از همین ریشه گرفته شده است. چه کسی شاهد یا گواه Martyr کلمه انگلیسی نقش برجسته‌ای دارد، زیرا طبق سنت اولیه کلیسا، martoreo بود؟ عهد جدید را بخوانید، جایی که کلمه نفر از ۱۲ رسول با شهادت به شهادت رسیدند ۱۱.

بنابراین، اسرائیل می‌بایست از طریق وحی کتاب مقدس، به توحید اخلاقی برای تمام جهان شهادت دهد. شما. شاهدان من هستید، بنده‌ای که من برگزیده‌ام. اسرائیل بنده خدا بود.

اشعیا ۴۲:۱۹ فقط یادآوری می‌کند که همه این عبارات مربوط به بنده خداوند در سرودهای به اصطلاح بنده‌گان اشعیا پراکنده نیستند، و چندین مورد از این سرودهای بنده‌گان در نیمه دوم اشعیا پراکنده شده‌اند. همه اینها به طور خاص به عیسی اشاره ندارند. ۴۲:۱۹ یک مثال است.

می‌گویند، ای ناشنویان و بینا، ای نابینایان و بینا. چه کسی ناشنوا و نابینا است؟ منظور اسرائیل است، نه مسیح، نه عیسی در عهد جدید. در ۴۲:۱۹ می‌گویند: کیست که کور باشد جز بنده من، و ناشنوا مانند رسولی که من می‌فرستم؟ کیست که کور باشد مانند کسی که به من سپرده شده، کور باشد مانند عبد-یهوه، بنده خداوند؟ بنابراین در اینجا کمی سرزنش از جانب قادر مطلق به قوم خودش وجود دارد، کسانی که به عنوان رسول فراخوانده شده‌اند، اما پیام را فراموش کرده‌اند و فراموش کرده‌اند که آن را به کار گیرند.

و بنابراین، خدا، به یک معنا، در حال مجازات یک بنده بی‌وفا است. بسیار خوب، می‌توانم متون دیگری را برای شما ارائه دهم، اما یک راه برای درک بنده خداوند در اشعیا، برای اسرائیل به عنوان یک قوم است. راه دوم برای درک عبد-یهوه، دیدن آنها به عنوان یک بازمانده صالح است.

در کتاب مقدس عبری جاهایی وجود دارد که از اسرائیل به عنوان یک اسرائیل ایده‌آل یا به عنوان اسرائیلی، که اغلب با اسرائیل نافرمان و گناهکاری که خود اشعیا همیشه مجبور به سرزنش آن بود، متفاوت است، یاد شده است. اما به عبارت دیگر، به یک بازمانده صالح اشاره دارد، ۴۴:۱: اما اکنون گوش کن، ای یعقوب، بنده من اسرائیل، که تو را برگزیده‌ام. و او ادامه می‌دهد و از این کلمه جالب برای اسرائیل استفاده می‌کند، یشورون.

یشورون، کسی که من برگزیده‌ام. در زبان عبری، یاشار به معنای مستقیم و رو به جلو است. و بنابراین برخی این را به عنوان یک اصطلاح محبت‌آمیز، یشورون، یعنی درستکار، دیده‌اند.

آن که سراسر است. مترجمان سپتواجینت دقیقاً نمی‌دانستند با این چه کار کنند. آنها آن را آگاپتوس محبوب، ترجمه کردند.

نوعی اصطلاح ابراز محبت از جانب قادر متعال برای قومش. اما این اصطلاح درست، اصطلاحی که در تثنیه و چندین بار در تثنیه ۳۳، یشورون، به کار رفته است. این اصطلاح نوعی ابراز محبت برای قوم ۳۲:۱۵ خداست.

و بنابراین، آنها در فصل ۴۴ اینگونه توصیف شده‌اند. ای یعقوب، ای بنده من، یشورون، که تو را برگزیده‌ام، مترس. زیرا من بر زمین تشنه آب و بر زمین خشک نهرها خواهم ریخت.

روح خود را بر نسل تو و برکت خود را بر اولاد تو خواهم ریخت. آنها مانند علف در مرغزار، و مانند درختان صنوبر در کنار نهرهای جاری، خواهند روید. یکی خواهد گفت: من از آن خداوند هستم.

و دیگری خود را به نام یعقوب خواهد نامید. دیگری نیز دست خود را به نام خداوند خواهد نوشت. و نام اسرائیل را بر خود خواهد گرفت.

حتی این تمایل این اسرائیل ایده‌آل، این اسرائیل که بازمانده‌ای از صالحان است، اسرائیل درون اسرائیل، حتی دیگران نیز به آن جذب می‌شوند و می‌خواهند با آنها همذات‌پنداری کنند. حتی شاید چیزی نبوی که در فصل‌های آغازین پیدایش می‌بینیم که در مورد ورود غیریهودیان به چادرهای سام صحبت می‌کند. ایده نبوی جذابی مبنی بر اینکه تنها راهی که ما غیریهودیان می‌توانیم خودمان را توضیح دهیم یا تعریف کنیم از طریق سام است.

اگر از اسرائیل نباشیم، هیچ تعریف یا هویتی نداریم. غلاطیان ۳:۲۹، اگر شما به مسیح تعلق دارید، فرزندان ابراهیم هستید. و بنابراین آن نسخه گسترش‌یافته از اسرائیل با گسترش عهد، فراگیرتر می‌شود و سایر فرزندان ابراهیم را نیز در بر می‌گیرد.

بسیار خوب، یک بازمانده‌ی صالح وجود دارد. و بخش‌های دیگری هم وجود دارد که در آنها می‌توان خود پیامبر را مشاهده کرد. و در حالی که همه ما به آن بخش جالب از برخورد فیلیپ با آن آفریقایی، که گاهی اوقات خواجه‌ی اتیوپیایی نامیده می‌شود، فکر می‌کنیم.

فیلیپ او را با طوماری می‌بیند که با خودش کلنجر می‌رود، چه می‌خوانی و آیا آن را می‌فهمی؟ و اتیوپیایی می‌گوید، نه، من نمی‌توانم آن را بفهمم مگر اینکه کسی به من کمک کند. بنابراین، فیلیپ در ارابه ظاهر می‌شود. یکی از سوالاتی که پرسیده می‌شود این است که آیا پیامبر در مورد خودش صحبت می‌کند یا شخص دیگری. در واقع، این سوال بسیار منطقی است.

در اعمال رسولان ۸:۲۹ آمده است که او در حال خواندن کتاب اشعیا است. در مورد فیلیپ صحبت می‌کند که یک یهودی هلنی بود. نام او به معنی دوستدار اسب، دوستدار اسب است. فیلیپ یکی از اولین کسانی بود که اورشلیم را ترک کرد، انجیل را از شهر مقدس بیرون برد و به سمت شمال، به سمت سامری‌ها حرکت کرد، زیرا او کمی بیشتر پذیرای تأثیرات بین فرهنگی بود.

حالا او با یک خواجه اتیوپیایی دیگر از آفریقا که از مقامات کنداس، ملکه اتیوپی، بود، وارد رابطه شده است. و فیلیپ می‌گوید، آیا آنچه می‌خوانی را می‌فهمی؟ چطور می‌توانم بفهمم مگر اینکه کسی آن را برای من توضیح دهد؟ بنابراین، او از فیلیپ دعوت می‌کند تا سوار ارابه شود و کنار او بنشیند. خواجه در حال خواندن این قسمت از کتاب مقدس بود، اعمال رسولان ۸:۳۲ می‌گوید. او مانند گوسفندی به کشتارگاه برده شد، مانند بره‌ای که در برابر سکوت پشم‌چینش قرار داشت، بنابراین دهانش را باز نکرد.

در تحقیرش، از عدالت محروم شد و غیره. سپس خواجه از فیلیپ می‌پرسد، لطفاً به من بگو، پیامبر درباره چه کسی صحبت می‌کند، خودش یا شخص دیگری؟ خب، در همان آیه بعدی، فیلیپ تفسیر آن را به او می‌دهد، که از قبل بخشی از جامعه بود زیرا خود عیسی، در سنت خودش، با آن کلمات شناخته می‌شد. و ما در جایی در نوار غزه تعمید داریم.

نمی‌دانم آب از کجا آمده. شاید از قمقمه باشد. اما ما مراسم غسل تعمید داریم.

زیرا او او را به ایمان به مسیح هدایت کرد، زیرا به گفته‌ی او، آن متن به پیامبر اشاره نمی‌کند. اما آن سوال اولیه وجود داشت: آیا می‌تواند به اشعیا اشاره داشته باشد؟ خب، من فکر می‌کنم اشعیا ۶۱ ممکن است یکی از آن جاهایی باشد که در متن اصلی خود به پیامبر اشاره دارد، و آن اشعیا نبی است. قبل از اینکه با موضوع بنده‌ی خداوند تمام کنیم، به این متن برمی‌گردم.

اما این متنی که عیسی در عهد جدید با آن همذات‌پنداری می‌کند، اما در متن اصلی آن، فکر می‌کنم این خود پیامبر است. روح خداوند متعال بر من است. و به نوعی، حتی اگر به معنای محدودی باشد، پیامبران توسط روح خدا مسح می‌شدند.

آنها با مرهم روح خدا سخن می‌گفتند. آنها آن آگاهی اجتماعی را داشتند که به فقرا و دلشکستگان خدمت کنند. و شاید این پیامبر بود که رهایی از بردگی در بابل، از اسارت در بابل، آزادی از اسیران، رهایی از تاریکی زندان را اعلام می‌کرد.

بنابراین، ممکن است زمینه اولیه به آن تأکید اشعیا ۴۰-۶۶ بر بازگشت ما به خانه اشاره داشته باشد. قوم مرا تسلی دهید. ما آزاد هستیم.

اما به طریقی که روح خدا می‌خواست از آن بیشتر استفاده کند، تا به جایی که این دوره را شروع کردیم، یعنی حس کمال، معنای عمیق‌تر، برگردیم. عیسی با این بنده خداوند همذات‌پنداری می‌کند زیرا خدمت او موازی است. این یک خدمت رهایی‌بخش است.

این یک خدمت در زندان است. این یک خدمت در میان فقرا، جذامیان است. این اعلامیه‌ای است برای اعلام خبر خوش، خبر خوش خدا.

بنابراین، احتمال سومی وجود دارد که چگونه می‌توان از عبارت «بنده خداوند» برای اشاره به خود پیامبر استفاده کرد. حال، آخرین تأکید در اینجا این است که این عبارت را به عنوان اشاره‌ای به مسیح، به شخص عیسی در نظر بگیریم که به این زمین نیامد تا در جلال و قدرت سلطنتی زمینی سلطنت و حکومت کند بلکه او آمد تا بنده‌ای رنج‌کشیده باشد، تا با فروتنی بیاید، یا همانطور که انجیل‌ها می‌گویند، او در یونانی به صورت مصدر مجهول نیامد تا خدمت شود، بلکه به صورت مصدر معلوم آمد تا خدمت کند، نه اینکه خدمت شود، بلکه برای خدمت کردن، و جان خود را فدای بسیاری کند. حال، متن کلاسیک ما در مورد بنده رنج‌کشیده، که به عیسی اشاره دارد، فصل ۵۲ است که از آیه ۱۳ شروع می‌شود و تا آیه ۱۲ از فصل ۵۳ ادامه دارد.

حالا، می‌خواهم ببینید که هیچ چیز الهام‌بخشی در مورد تقسیم‌بندی آیات و تقسیم‌بندی باب‌ها وجود ندارد. این یکی دیگر از نمونه‌های کتاب مقدس است که در آن واقعاً باید به انتهای باب ۵۲ بروید تا اولین بند از پنج بند را پیدا کنید، زیرا هر بند سه آیه دارد.

و بنابراین، اشعیا ۵۲: ۱۳-۱۵ بند اول است، و سپس در فصل ۵۳، چهار بند پایانی از پنج بند را دارید که با اشاره به پیروزی نهایی از طریق رستخیز مسیح از مردگان به اوج خود می‌رسد. بنابراین، نویسندگان عهد جدید، بنده رنج‌کشیده اشعیا ۵۲-۵۳ را به عنوان اشاره‌ای به عیسی مسیح معرفی می‌کنند. و در حالی که این متن به عنوان بخشی از قرائت‌های هفت‌تار استفاده می‌شد، من قبلاً به این موضوع اشاره کردم، گزیده‌هایی از پیامبرانی که در طول سال‌های بین دو عهد ظهور کردند.

به یاد داشته باشید، این مکابیان هستند که می‌گویند یهودیان نمی‌توانند نسخه‌هایی از تورات یا زبانی که پسرانشان را ختنه کرده‌اند، داشته باشند. و یونانیان سلوکی ممنوعیت‌های بسیار سختی را بر یهودیان اعمال می‌کردند. و بنابراین مکابیان، از یک خانواده کاهن، تصمیم به مقابله گرفتند.

آنها قرار نبود آنجا بنشینند و یونانی‌سازی قوم یهود را بپذیرند. و با شادی فراوان، عقاب زئوس را بر فراز معبد بپذیرند. و بنابراین، در این مدت، نمی‌خواستند با نسخه‌هایی از تورات در دستشان پیدا شوند، و بنابراین مجبور بودند توسط این آزارگران یونانی با مرگ روبرو شوند، و البته، حنوکا از این امر ناشی می‌شود، این جشنواره نور است، اما از بسیاری جهات، جشنواره آزادی و رهایی مذهبی است.

یعنی، ما تا سر حد مرگ یونانی‌زده نخواهیم شد، تا سر حد مرگ با فرهنگ‌های دیگر عجین نخواهیم شد، با فرهنگ‌پذیری روبرو نخواهیم شد تا مانند سایر ملت‌ها شویم. ما برای آزادی مذهبی موضع خواهیم گرفت و آن ایستادگی شجاعانه یهودای مکابی و برادرانش، البته، منجر به پاکسازی معبد به مدت هشت روز شد، و به همین دلیل است که ما در کتاب مقدس، به گمان من، آیه یوحنا ۱۲:۲۲ را داریم که به حضور عیسی در اورشلیم برای جشن گرفتن حنوکا، بزرگداشت سرنگونی یونانی‌سازی مردم آن سرزمین، اشاره دارد.

در این مدت، از آنجایی که یهودیان نمی‌خواستند نسخه‌ای از تورات را در دست داشته باشند، به قرائت‌های هماهنگ از پیامبران برخوردند که مضمون اصلی یکسانی داشتند، یا مضمونی که ممکن بود در بخش قرائت منظم تورات مطرح شود. و اشعیا ۵۳، برای چندین قرن، بخشی از هفتارا، هفتارا، بود، اما سرانجام کنار گذاشته شد زیرا یهودیان به جایگاه متهم کشیده شدند و از طریق بحث و جدل، بحث‌های کلامی، فراخوانده شدند تا پاسخ دهند که بنده رنج‌کشیده کیست؟ و از آنجایی که یهودیان همیشه آماده نبودند که پاسخ دوستانه‌ای به بازجویان مسیحی خود بدهند، ما یک ادبیات کامل داریم که به این بازجویی‌ها می‌پردازد. در نهایت، این کتاب مقدس از قرائت کنیسه کنار گذاشته شد و بنابراین امروزه در محافل یهودی کاملاً ناشناخته شده است. این برای بسیاری از خوانندگان یهودی به یک ویژگی تبدیل می‌شود، یعنی خواندن آن مناسب یا شایسته نیست.

این چیزی است که مسیحیان می‌خوانند، و از آنجایی که آنها برداشت خودشان را از آن دارند، باز هم مخالفت و سرپیچی. ما به جای دیگری خواهیم رفت تا همه چیز مرتب و تمیز باشد. با نگاهی به خلاصه‌ای از آنچه در اینجا داریم، قصد دارم چهار نکته اصلی را پیشنهاد کنم.

اول از همه، شهرت رنج‌های این بنده. این شهرت، گزارش درخشان همه اینهاست. در واقع، چیزی شبیه به این است که ابتدا فصل آخر یک کتاب را بخوانید، سپس به عقب برگردید.

این تقریباً همان چیزی است که اینجا داریم. متوجه خواهید شد که او در بند اول شروع می‌کند و در مورد تعالی صحبت می‌کند. اگر از نظر الهیاتی به زندگی عیسی نگاه کنید، تا زمانی که او از مرگ پیروز بیرون می‌آید، هیچ تعالی‌ای در او وجود ندارد.

پس از پیروزی او از مرگ، ما چیزی را داریم که الهیات مسیحی آن را مرحله سه‌گانه تعالی او می‌نامد: رستاخیز او، عروج او، و نشستن او در دست راست خدا. اینها سه بخش تعالی هستند.

اما این فقط پس از رنج، مرگ و تدفین می‌آید. اما در اینجا، این بنده که در آیه ۱۳ از او نام برده شده است، NIV می‌گوید اولین چیزی که در مورد او می‌خوانیم این است که او قرار است موفق شود. یا، در حالی که در بحثی بین اعضای کمیته وجود داشت که آیا آن را به «موفق» ترجمه کنند یا خیر، و اینجاست که رأی اقلیت در کمیته در پاورقی اینجا به پایان رسید.

اما چه برای کامیابی باشد و چه برای عمل عاقلانه، سطر بعدی به وضوح می‌گوید که او بالا برده خواهد شد و به مقام والای خود خواهد رسید. یادآوری از ادونیرام، جادسون گوردون. ادونیرام، خداوند من متعال است، منظور ادونیرام است.

پروردگار من والا و بلندمرتبه است. رام یا راما، جایگاه والایی است. و در اینجا به تعالی او اشاره دارد.

همانطور که پولس در عبارت بزرگ کنوسیسی خود، که در فیلیپیان ۲ از تهی شدن خود توسط عیسی صحبت می‌کند، کسی که ذات خدا بود، برابری با خدا را چیزی برای غنیمت شمردن نمی‌دانست، بلکه خود را هیچ کرد، ذات یک بنده را پذیرفت، در ظاهر یک انسان یافت شد، خود را فروتن کرد، مطیع مرگ، حتی مرگ بر صلیب شد. بنابراین، خدا او را به بالاترین مقام رساند و نامی به او داد که بالاتر از هر نامی است. بنابراین، از طریق فروتنی، یا تهی شدن از خود، بی‌اعتبار شدن، یا خود را هیچ کردن، یعنی دست کشیدن از اعمال مستقل صفات الهی خود، او به عنوان یک بنده بر روی زمین قدم گذاشت، تسلیم حقارت انسان بودن شد، از امتیازات والایی که به عنوان پسر خدا داشت، دست کشید.

بنابراین، این اولین چیزی است که با آن آشنا می‌شویم. در آیه ۱۴ آمده است، همانطور که بسیاری از او وحشت زده شدند، اکنون به تصویر مل گیبسون از این فرد می‌رسیم که کتک خورده و کبود شده است، و ما نوعی تصویر کلی از او داریم، به طوری که مردم از او شگفت زده می‌شوند زیرا ظاهر او چنان آسیب دیده یا از شکل افتاده بود که فراتر از شباهت انسانی بود. بنابراین، بسیاری از ویژگی‌های انسانی او، و در حالی که شعر متعالی است، اغراق آمیز است، زبان تمثیلی دارد، تصویری کلامی را به صورت شاعرانه ترسیم می‌کند این به بدرفتاری که او از سوی سربازان متحمل شد، اشاره دارد زیرا بسیاری از ویژگی‌های انسانی او غیرقابل تشخیص بودند.

در اینجا خوانش NIV می‌گوید، بسیاری از ملت‌ها را شگفت زده خواهد کرد RSV آیه بعدی، همانطور که متفاوتی را انتخاب می‌کند، بنابراین او بسیاری از ملت‌ها را خواهد پاشید. در میان قواعد مختلف خواندن متن یونانی یا عبری، یکی از قواعد این است که خوانش دشوارتر اغلب خوانش صحیح است، و همچنین خوانش کوتاه‌تر در مقایسه با خوانش طولانی‌تر، خوانش صحیح‌تری است.

نکته‌ی آخر، چون مردم تمایل داشتند که متن را گسترش دهند و یک کوفون، که مانند لوله‌ی آگروز چیزی است، روی آن بگذارند، کمی امتداد پیدا کرد، و متن اصلی ممکن است مختصرتر بوده باشد، و بنابراین کاتبان می‌توانستند وارد شوند، و مانند دعای ربانی، زیرا پادشاهی، قدرت و جلال تا ابد از آن توست، آمین این یک پایان عالی است، و از نظر الهیاتی هیچ اشکالی ندارد که آن را صبح یکشنبه یا هر روز، اگر مایل باشید، بخوانید. الهیات عالی است، و فقط بخشی از دعای شاگردان اصلی نیست.

اما کاتبی در قرن پانزدهم یا شانزدهم فکر کرد که خوب به نظر می‌رسد، بنابراین آن را اضافه کرد. در حال بسط دادن. یک دعای یهودی که از قبل هم بسیار بسیار خوب بود.

اما هر یک از این ایده‌ها از کتاب مقدس عبری گرفته شده است. این نوعی کلاژ از چیزهایی است که در پیامبران و تورات یافت می‌شود. در این مورد خاص، پاشیدن آب بر ملت‌ها ممکن است به این معنی باشد زیرا در واقع این همان چیزی است که عبری می‌گوید، ممکن است نوعی پاکسازی معنوی در ذهن باشد.

ممکن است در نهایت نوعی تطهیر معنوی از طریق انتشار انجیل و واکنش مردم به آب حیات حاصل شود. اما در هر صورت، این شخصیت حتی پادشاهان را نیز به حیرت واداشته و سرشان را برگرداند. در واقع، متن می‌گوید که پادشاهان دهان خود را خواهند بست.

آنها احتمالاً این کار را با شگفتی انجام خواهند داد، در حالی که قادر به صحبت کردن نیستند، در حالی که به این منظره پیروزی، وجد و سرور، که از این تکه پاره شده از گوشت انسان که فراتر از شباهت انسانی از تراژدی تا پیروزی، وجود داشته باشد، همان داستان، T آسیب دیده است، نگاه می کنند. اگر داستانی از دو در کتاب مقدس است. فقط چند نکته در مورد بند دوم

بند دوم درباره ورود به باب ۵۳ است. چه کسی آنچه را که ما شنیده ایم باور کرده است؟ این پیام نبوی از جانب خدا به اشعیا است که مژده نجات خدا است.

چه کسی به آنچه ما، که شامل پیامبر و آنچه ما شنیده ایم، باور داشته است؟ و بازوی خداوند به چه کسی وحی شده است؟ یک انسان انگاری بزرگ وجود دارد و اشعیا تعداد زیادی انسان انگاری و چند انسان درمانی دارد که شکل یا بخشی از بدن انسان را به خدا نسبت می دهد. بازوی خداوند. بازوی خداوند کلمه رمزی برای قدرت است.

در واقع، کتاب مقدس انگلیسی جدید، بازوی خداوند را ترجمه می کند، آن اصطلاح را می گیرد و آن را با آن معنا بازنویسی می کند. آن را به عنوان قدرت خدا ترجمه می کند. بازوی خداوند در سراسر کتاب مقدس برای اشاره به مداخله ویژه در امور انسانی استفاده می شود که به موجب آن خداوند مردم را نجات می دهد.

او اغلب دشمنان را مجازات می کند. برای مثال، اسرائیل از مصر بیرون می آید. ما خروج را داریم

ما پیشوا، رهایی، آزادی، رهایی، رهایی را داریم. و در این زمینه، قدرت خدا را نشان می دهد. بازوی خدا حضور دارد.

در زبان مصری، تصویر بازوی دراز شده دقیقاً همین معنی را می دهد. زبان مصری یک زبان تصویرنگاری است. و بازوی دراز شده که به قدرت یا توانایی ترجمه می شود، در زبان مصری جذاب است.

اگر می خواهید آن مفهوم را بیان کنید، دست خود را برای بیان قدرت یا توانایی دراز می کنید. در نهایت، در یوحنا ۱۲، از آیه ۳۷، عیسی به مسئله بی ایمانی می پردازد. و از آیه ۳۷، یوحنا ۱۲ می گوید که حتی پس از اینکه عیسی همه این معجزات را در حضور آنها انجام داد، آنها به او ایمان نیاوردند.

این برای تحقق کلام اشعیا نبی بود. ای خداوند، چه کسی پیام ما را باور کرده است و بازوی خداوند به چه کسی آشکار شده است؟ در آیات بعدی، او همچنان از اشعیا نقل قول می کند و به چشمان نابینا، قلب های مرده و ناتوانی در دیدن و فهمیدن اشاره می کند.

بله، یوحنا ۳۷: ۱۲-۴۱. بنابراین، توانایی دیدن با چشم دل، دیدن امور معنوی در درون انسان، برای درک واقعی انجیل بسیار مهم است. و یوحنا در اینجا می گوید که حتی در بحبوحه کارهای قدرتمند نشانه های معجزه آسای خدا، مردم هنوز ایمان نیاوردند.

در نهایت، این چیزها باید از نظر معنوی درک شوند. آنها را نمی توان صرفاً به صورت ظاهری آموزش داد. با این توضیحات، کلاس امروز را به پایان می رسانیم و در کلاس بعدی به بخش بیشتری از اشعیا ۵۳ خواهیم پرداخت.

این دکتر مارو ویلسون در تدریسش در مورد انبیا است. این جلسه ۳۲، بنده رنج کشیده اشعیا است.